

دیوان صاحبان بیدلی

(از پیشروان نهضت و گنجینه ادبی)

تصحیح:
عبدالله مسعودی آرانی

سرشناسه: صباحی بیدگلی، سلیمان، - ۱۳۹۲ ق.
عنوان و نام پدیدآور: دیوان صباحی بیدگلی (از پیشروان نهضت بازگشت ادبی)
/ تصحیح عبدالله مسعودی آرانی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۳۹۶-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق.
شناسه افزوده: مسعودی آرانی، عبدالله، مصحح
شناسه افزوده: سازمان اوقاف و امور خیریه. انتشارات اسوه
بندی کنگره: ۱۳۹۲/د۹ PIRV۱۶۲
رده یابی دیوبی: ۸۱۵/۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۷۸۴۱



شرکت چاپ انتشارات اسوه

دیوان حاج سلیمان صباحی بیدگلی

تألیف: حاج سلیمان صباحی بیدگلی

مصحح: عبدالله مسعودی آرانی

ناشر: انتشارات اسوه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قران کم - ۱۳۹۲ - ۰۲۵-۳۶۶۴۲۲۱

نوبت چاپ: اول

سال نشر: پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

بهاء: ۱۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۳۹۶-۲

فروشگاه و نمایشگاه دائمی تهران: خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، روبروی خیابان خارک، پلاک ۷۸۷

تلفن: ۶۶۴۱۸۰۹۹ و ۶۶۴۰۱۷۴۷ فاکس: ۶۶۴۱۸۰۲۲

فروشگاه شماره (۲) قم: خیابان ارم، مقابل پاساژ قدس تلفن: ۳۷۷۴۱۲۸۲ فاکس: ۳۷۳۷۶۶۰

فروشگاه شماره (۳) قم: بلوار معلم - مجتمع ناشران - پلاک ۳۰ تلفن: ۳۷۸۴۱۷۲۱

www.Osvehpublishing.com www.Osveh.ir

فهرست مندرجات

پیش گفتار

الف: نام و نشان و بدايت و خال و ۱۱	۱۱
ب: پايگاه شاعري و شعر و ۱۵	۱۵
۱. موازنه..... ۲۱	۲۱
۲. تشبيه و استعاره..... ۲۲	۲۲
۳. انواع جناس..... ۲۲	۲۲
۴. لف و نشر..... ۲۲	۲۲
۵. مسقط..... ۲۲	۲۲
۶. تنسيق صفات..... ۲۳	۲۳
۷. تضمين..... ۲۳	۲۳
۸. تاثير پذيري از قرآن..... ۲۳	۲۳
۹. ماده تاريخ..... ۲۴	۲۴
۱۰. تلميح..... ۲۵	۲۵
۱۱. اقتباس از سخنوران بزرگ و اقتفا به آنان..... ۲۵	۲۵
يك: اقتباس از حافظ (در لفظ در معنى)..... ۲۵	۲۵
دو: استقبال از قصيده امير معزى..... ۲۶	۲۶
سه: استقبال از قصيده منوچهرى (ديوان ۸۴-۷۹)..... ۲۶	۲۶

۲۶	چهار: پیروی از خاقانی
۲۷	پنج: اقتدا به انوری
۲۷	۱۲. آوردن غزل در مثنوی
۲۷	۱۳. اقتفای استادان بزرگ سلف
۲۸	ج: وفات
۲۹	د: ماندگان
۳۰	رفیق‌ها
۳۰	فهرست منابع پیش‌گفتار
۳۳	تصاویر سخن‌ها
۴۳	دیباجه محمد بن روی دیوان صباحی

بخش اول:

تساب و ترکیب بندها

۴۹	الف) مدایح پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام
۴۹	در مدح حضرت خاتم انبیاء محمد مصطفی
۵۶	در منقبت مولای متقیان علی علیه‌السلام
۶۵	زراندود کردن ضریح امام علی علیه‌السلام
۷۳	قصیده در تاریخ زراندود کردن گنبد مطهر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام از طرف آقا محمد خان قاجار
۸۰	در منقبت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام و له طیب الله
۸۵	در نعت امام رضا علیه‌السلام
۸۸	در منقبت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام
۹۱	در مدح و منقبت حضرت مجتبا علیه‌السلام
۹۴	قصیده در تاریخ نصب ضریح بر قبر شریف مولای متقیان
۹۶	ب) مدایح دیگران
۹۶	در مدح فتحعلی شاه قاجار علیه الرحمه
۱۰۶	در مدح حاج محمد حسین خان و برادرش حاج ابوالحسن

فهرست مندرجات ۷

در مدح آذر بیگدلی.....	۱۱۷
در مدح میرزا محمد شفیع وزیر.....	۱۲۳
در مدح محمد حسین خان شیبانی.....	۱۲۶
در ستایش میرزا محمد لؤلؤ مشهور به زرگر.....	۱۳۱
در مدح هاتف گوید.....	۱۳۶

بخش دوم:

غزل‌ها.....	۱۴۱
-------------	-----

بخش سوم:

غزل‌های ناتمام.....	۱۷۵
---------------------	-----

بخش چهارم:

قطعات

الف) قطعات بدون تاریخ.....	۱۸۳
قطعات صباحی علیه الرحمه.....	۱۸۳
پاسخ صباحی به دوست لاهیجانی.....	۱۸۵
اندرز.....	۱۸۸
در تعریف دوات.....	۱۸۸
در سپاس از دوستی که برایش ماهی و نارنج فرستاده.....	۱۸۹
در پاسخ سید احمد هاتف اصفهانی.....	۱۹۲
به ملا محمد حسین رفیق اصفهانی.....	۱۹۳
صاحب.....	۱۹۶
از شیراز به برادر خود، ابراهیم و عموزاده‌اش احمد نوشته است.....	۱۹۶
قطعه ناتمام.....	۱۹۸
شکایت از کدخدا برای مطالبه خراج.....	۲۰۰
نامه صباحی از حجاز به دوستان کاشان.....	۲۰۱

۲۰۶	 (ب) تواریخ
۲۰۶	 تاریخ وفات آذر بیگدلی
۲۰۶	 در تاریخ درگذشت
۲۰۶	 در وفات هائف
۲۰۸	 تاریخ فوت میرکمال الدین قمی
۲۱۰	 تاریخ بنای مدرسه رزآقیه کاشان
۲۱۲	 تاریخ فوت آذر بیگدلی
۲۲۵	 تاریخ باغ صالح آباد کاشان
۲۲۵	 تاریخ فوت عباس آراغی
۲۲۶	 تاریخ وفات آقا محمد علی
۲۳۱	 تاریخ وفات حاج علی رضا
۲۳۲	 تاریخ برای کلام الله
۲۳۴	 تاریخ فتح چاه علم
۲۳۶	 تاریخ نصب آینه در بارگاه حضرت علی
۲۳۷	 تاریخ درگذشت آقا محمد علی حکاک
۲۳۹	 تاریخ اتمام مدرسه مهدی قلی خان طهران
۲۴۱	 تاریخ تولد سید سعید فرزند سید حسن طباطبائی
۲۴۵	 تاریخ زفاف
۲۴۶	 تاریخ تعمیر دو گنبد مطهر کاظمین
۲۴۹	 تاریخ بنای حمام رزآقیه کاشان
۲۵۵	 تاریخ وفات میرزا عبدالله
۲۵۶	 تاریخ وفات مولانا محمد
۲۶۴	 تاریخ تعمیر بازار کاشان
۲۶۷	 تاریخ عروسی کردن چراغ علیخان
۲۶۹	 تاریخ ریاست ابراهیم آراغی
۲۶۹	 تاریخ وفات
۲۷۰	 تاریخ اتمام خندق دارالمؤمنین کاشان

فهرست مندرجات ۹

در تاریخ جلوس محمد جعفرخان زند (ادخال و اخراج) ۲۷۴

تاریخ اتمام مسجد ۲۸۳

تاریخ وفات آذر بیگدلی ۲۸۵

تاریخ وفات عبدالله ۲۹۰

تاریخ اتمام مدرسه ۲۹۰

در نیت ازدواج ۲۹۶

ماده تالیف های زیر به صورت ناتمام و مشوش در دو نسخه «پ» و «ج» آمده است ۳۰۰

بخش پنجم:

مراثی

الف) ترکیب بندها ۳۰۴

ترکیب بند در مرثیه حضرت حسین بن علی (ع) ۳۰۴

در مرثیه آذر علیه الرحمه ۳۱۲

ب) قصاید ۳۲۱

پیش روضه حضرت امام حسین (ع) ۳۲۱

فی تاریخ والده ماجده صاحب دیوان ۳۲۳

بخش ششم:

مثنوی ها

فی المراثیه علی اصغر ۳۲۸

مثنویات ۳۴۱

وله جعل الله طاعته مقبوله ۳۴۷

مثنوی در فراق آذر بیگدلی ۳۵۱

بخش هفتم:

رباعی ها ۳۵۶

۱۰ دیوان صباحی بیدگلی

بخش هشتم:

۳۶۶ تک بیت‌ها.

بخش نهم:

۳۶۹ نمایه‌ها

www.ketab.ir

پیشرفت

صبحی بیدگلی، از خندان بنام سده سیزدهم ه.ق و از پیشگامان نهضت معروف به بازگشت ادبی.

الف: نام و نشان و بدایع سال

ارباب تذکره عموماً نام او را سلیمان زیدجانی سلیمان ضبط کرده‌اند. تنها مؤلف تذکره نتایج الافکار (ص ۴۷۵) او را ملأ سلیمان زیدجانی بیوان بیگی (ص ۲/۹۸۸) و آرین پور (ص ۲۱) از او به حاجی سلیمان بیگ نام برده‌اند هیچ یک از منابع معتبر از سال تولد، کیفیت زندگی، خانواده، مکان و میزان تحصیلات و اسدان و خصوصی نداده‌اند. در دیوان او نیز پاسخی براین پرسش‌ها دیده نمی‌شود. چنین می‌نماید که صبحی سخت دل بسته زادگاه خود بوده و به جز سفرهایی که به قم و اصفهان و شیراز و حجاز در مدت شش سال‌های عمر را در بیدگل سپری کرده است.

مولد و موطن و مدفن او بیدگل در شهرستان آران و بیدگل می‌باشد، مقبره صبحی در بیدگل مزار و مطاف همگان به ویژه اهل فضل و شعر و ادب و مؤمنان و صاحب‌دلان است.

مصاحبان و معاصران صبحی جملگی به اتفاق، از او با احترام بسیار یاد کرده، فضایل اخلاقی و مراتب فضل و هنر و دانش او را ستوده‌اند. دوست بسیار نزدیک وی، لطفعلی بیگ آذر در تذکره خود آتشکده (ص ۵۳۱) صبحی را «فرشته سیرت، آدمی وش، رفیقی شفیق، صدیقی خلیق و دوستی درست پیمان» دانسته است. نیز همو در دیوان خود (ص ۱۲۶) او را

«همدمی کز صبح دارد پاک تر دامن» و یا (ص ۲۹۹) «صبح شب تار» خود خوانده است. مؤلف تجربه الاحرار و تسلیة الابرار (ص ۳۷) با تکرار سخن آذر، درستی گفتار او را درباره صباحی تأیید کرده است. عبداللطیف خان شوشتری (ص ۲۲۱) که در مگه به دیدار و مصاحبت او نایل آمده، صحبت او را دلپذیر و وی را مجلس آراء، وارسته و با ابتهاج، یافته است. صاحب حدیقة الشعرا (همانجا) او را از «اعزّه کاشان» و گرجی نژاد (ص ۱۲۰) وی را «آراسته به نرگس زرد و صلاح و پیراسته از صفات ذمیمه» توصیف کرده است. سخنور نامور و دوست بسیار بزرگ او، سید احمد هاتف اصفهانی (ص ۶۰) «خلق لطیف و خوی جمیل» صباحی را «مظهر کشف حضرت باری» خوانده است. مؤلفان تذکره‌های نتایج الافکار (همانجا) و انجمن خاقانی (ص ۳۴) بر «حسن معاشرت و آداب منادمت و تقدّس ذات و تهذیب صفات» او تأکید کرده‌اند. ملک الشعرا فتحعلی خان صبا (دیوان، ص ۲۹۳) که از دست پروردگان صباحی بوده او را «بدر فیاض و بحری باذل» خوانده است. محققان بر علاقه‌مندی او به علوم ریاضی و فقه شریعی، از اوان جوانی تصریح کرده‌اند (زرین کوب، از گذشته ...؛ ۴۵۸) علاوه بر آنچه تذکره‌ها و ترجمه‌ها در ترجمه حال صباحی بنابر عادت خود غالباً با عبارات کلیشه‌ای و قالبی و گاه با لفظ بازی و سجع بازی نوشته و با تکلف‌های خود موجب اغتشاش در ترجمه حال شاعران و بیان خلاف واقع و بی‌صفت و سرگردانی محققان شده‌اند. (مصفا، مقدمه مجمع الفصحاء، چهارده) با تأمل در گفته‌های وی می‌توان با اطمینان بیشتر برخی از ویژگی‌های شخصیتی و پست و بلند زندگی او را در دیوان بیدیهی است معتبرترین منبع شناخت هر نویسنده یا شاعر سروده‌ها و نوشته‌های خود دانست.

۱. در خردسالی سایه پدر از سر او رفته و تربیت او در دامن مادری در کودکی با کفایت بوده است، چنانکه در ضمن قصیده‌ای حزن‌انگیز به مطلع:

«نیلی است جامه از ستم چرخ اخضرم خون دل است از خم گردون به ساغرم»

در رئای مادر خود بدین امر اشاره کرده است:

دیدم به ظلّ شفقت تو تربیت همه ناشسته لب ز شیر پدر رفت از سرم
سوی حقم تو راه نمودی سزد اگر خواهان مغفرت به تو از لطف داورم

۲. توطن او در زادگاهش بیدگل بوده است:

وطن به بیدگل اما کسی ندیده صباحی به دست دسته گل یا به فرق شاخه بیدم

۳. مناعت طبع و قناعت را بر تقرب به صاحبان جاه و جیره خواری و ستایش آنان ترجیح داده و اگر زبان به مدح حاکمی یا دولت مردی گشوده است، به طور مشخص به انگیزه اهتمام یا فرمان آید. میرزا دولت مرد به انجام کار نیکی چون زرانود کردن ضریح امامی معصوم یا حفر قنات بی بی مردم محروم بوده است:

تا بوده ام به شرف نمودن مرز خویشان تا بر کسی مباد بود صحبتم گران
نگشاده ام زبان به هیچ شهریار ننهادم قدم به در هیچ مرزبان
پیچیده شد به دام دولت مردان در بسته شد به مهر قناعت مرا زبان

۴. با اشتغال به کشاورزی و اندک آرامش و امرار معاش می کرده است:

نظر چو کردم دیدم به کارهای زمین
چرا تجارت شغلی به از زراعت نیست
چه انتفاع ز کار زراعتش باشد
چو من کسی را دست اندرش بضاعت نیست

۵. به احتمال بسیار نزدیک به یقین، به طور رسمی نزد هیچ استاد معاشی تلمذ نکرده است. هوش سرشار و قریحه خداداد و مصاحبت با بزرگان شعر و ادب برای او حاصل کمالات کرده است:

نفکنده ابر تربیتی سایه بر سرم خود رو نهالیم که شدستم روشن
نخلم به اقتضای طبیعت کشیده سر نیرو مرا به پرورشی نیست در جهان

۶. در جوانی توفیق تشرف به خانه خدا یافته است:

ای باد اگر به ساحت ایران گذر کنی آن جلوه گاه سرو خرامان دوستان ...
با دوستان بگو به حجازم گذر فتاد بر خسته ای که بود ثناخوان دوستان

۷. سفر به شیراز و اقامت در آنجا و شرکت در محافل ادبی و انجمن‌های شعری. صباحی به شیراز دل بستگی تمام داشته است و آن شهر شعر پرور را «شیرازه دفتر نکویان» یا «چون بهشت جاودان» با مردمی «مردم صفت» وصف کرده است:

شیراز، مقام خوبرویان	شیرازه، دفتر نکویان
آسوده زباد مهرگانی...	تَرَم چو بهشت جاودانی

۸. شعر خود یعنی آن «قیمتی لفظ در دری» را به حطام دنیا نفروخته است:
 شاهد فکر که صریق قبولت را رهین باشد و هرگز صدای را نباشد مرتهن
 نفکنم بهر صبر در قید نادانش بلی کی به کابین دل کند دوشیزه خرسند از عنن

نیست از بهر زان کرم	از کسُم آرزوی کابینی
صله شعر من همین کافی است	که دلم خوش کنی به تحسینی

۹. در زلزله مصیبت بار کاشان همسرش را از دست داده و نزدیکیان خویش را از دست داده است. ترکیب بند بسیار پر درد و احساس او در حقیقت نفث المصذور او بر این مصیبت بزرگ است که با دست خود عزیزانش را از زیر خرابه‌ها بیرون بر آورده و دفن می‌کرده است:

گلرخانم بی سبب از من برآشفتمند باز	رخ من یکبارگی این بار بنهفتند باز ...
رفت راز رفتگان من به خاک و ماندگان	انجمن کرد و راز خود به هم گفتند باز
نازکانم را به صد زحمت برآوردم ز خاک	رخ ز چشم با من در خاک بنهفتند باز....

نیز در نامه ای که از شیراز به برادر خود ابراهیم و عموزاده‌اش احمد، نوشته است، با آن که از هیچ فامیل و خویشاوند دیگری یاد نمی‌کند، با این وجود، چنان که گفته خواهد آمد، کسانی از وی حتّا پس از درگذشت او در قید حیات بوده‌اند.

از کسادِ بازار هنر و سردی و بی ذوقی مردمان روزگار خود ناخرسند بوده است:

از نظم چنان مدان که نقصان دارم	یا آن که زکس امید احسان دارم
جوایای سخن کسی نبینم و نه	چون دست تو طبع گوهرافشان دارم